



بازگشت به نبرد

این شهید با وقوع انتفاضه سنگ در سال ۱۹۸۷ میلادی، در فعالیت‌های آن شرکت کرد و در تحقیقاتی سخت، بیش از دو سال در بازداشت موسوم به اداری قرار گرفت. او به صفوف جنبش جهاد اسلامی پیوست و در سال ۱۹۹۲ میلادی به همراه ده‌ها تن از رهبران جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی به «مرج‌الظهور» در جنوب لبنان تبعید شد که تجربه مهمی برای بیشتر تبعیدشدگان بود.



شهید محمد ابوشحاده، همواره هم‌رزم دیرینه‌اش احمد البلبول را همراهی می‌کرد. حتی صهیونیست‌ها هم نتوانستند آن دو را از یکدیگر جدا کنند و این شهادت بود که دو رفیق قدیمی را به خدا رساند.

آشنایی با حزب الله و مکتب اهل بیت (ع)

تبعید به لبنان، نقطه عطف شایان توجهی در زندگی شهید ابوشحاده بود و فرصتی برای او شد تا با مقاومت اسلامی در لبنان و ایدئولوژی آن آشنا شود. در آن مدت احساس مظلومیت اهل بیت (ع) در وجود او ریشه دواند و احساس کرد امام علی (ع) بسیار مظلوم واقع شده است. همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شوق غلبه بر ستمگران در او شدت گرفت تا جایی که به مطالعه انقلاب و پایه‌های آن پرداخت. او به‌طور مداوم در حلقه الفکر الاسلامی که از طرف حزب الله در اردوگاه برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. محمد ابوشحاده پس از مطالعه گرایش‌های مختلف و تحقیق روی کتاب‌های شیعی، دریافت که مذهب شیعه برداده‌های عقلانی و تاریخی استوار است و حقانیت را اثبات می‌کند؛ از این رو با عقیده حقیقی و نه دیدگاه صرفاً سیاسی، شیعه شد و در حالی که احساس می‌کرد به چشمه زلال حقیقت دست یافته و خوشحال است، احساس اندوه وجودش را فراگرفت که خود، علت آن را دور بودن از اهداف ائمه (ع) در زندگی مردم بیان می‌کرد. محمد همراه با برادرانش در گسترش مذهب شیعه در فلسطین تلاش می‌کرد تا برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه‌سازی کند.



فرمانده احمد همیشه در نوک پیکان مبارزه با صهیونیست‌ها بود و این محمد شحاده بود که خودش را برای هر اتفاقی آماده می‌کرد. موساد چند مرتبه می‌خواست احمد را شکار کند اما این درک عمیق محمد بود که زمان را به تعویق انداخت تا در کنار هم شهید شوند.

علاقه به اهل بیت (ع)

شهید ابوشحاده در گفت‌وگویی عنوان کرد که همه فعالیت‌هایش را از برکت وجود امام‌زمان (عج) می‌داند: «به ایشان می‌گویم یا مهدی ادرکن الان!»؛ او به همه آزادمردان جهان توصیه کرد از امام حسین (ع) الگو بگیرند و قیام ایشان را سرلوحه زندگی‌شان قرار دهند و در برابر ظلم آمریکا و اسرائیل، این غده سرطانی، ساکت نشینند.

بازگشت به میهن

پس از بازگشت از «مرج‌الظهور»، او کار مقاومت را در همه اشکال آن ترکیب کرد: سیاسی، نظامی و اجتماعی و مردم برای کمک به حل مشکلات‌شان به او مراجعه می‌کردند.

با وقوع انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۰ میلادی، آزار و اذیت این شهید پس از مسؤول دانستن او در فرماندهی یک عملیات نظامی در سال ۲۰۰۱ میلادی که منجر به هلاکت دختر یک عضو کنت شد، تشدید شد.

او در این جریان‌ها نیز هدف سوءقصد‌های بسیاری از سوی نیروهای اشغالگر قرار گرفت.

لیونی طبق ادعای «رونی دنیل» خبرنگار نظامی کانال ۲ عبری، او را مسئول انفجار چهار خودرو بمب‌گذاری شده می‌دانست که ده‌ها شهیدک‌نشین را مجروح کرد.

روحیات شهید ابوشحاده

او به جوانمردی، مردانگی، ترجیح دیگران بر خود، دلسوزی نسبت به مردم و پاکدامنی شهرت داشت و جسارت کم‌نظیرش نیز شایان توجه بود. شهید ابوشحاده در عرصه‌های نظامی، سیاسی و اجتماعی اشکال کار مقاومت را متنوع می‌کرد و به امور و احوال مردم علاقه داشت و علاوه بر اشتیاق به وحدت ملی، به کمک هم می‌پرداخت.



این تصویر به آن زمانی برمی‌گردد که محمد شحاده شیعه شده بود و علاوه بر حضور فعال در فلسطین با حزب الله لبنان ارتباط قلبی و معنوی داشت. عده‌ای به دنبال جدایی انداختن بین او مقاومت فلسطین بودند اما موفق نشدند تا محمد به آرزویش یعنی شهادت برسید.



تبعید به لبنان، نقطه عطف شایان توجهی در زندگی شهید ابوشحاده بود و فرصتی برای او شد تا با مقاومت اسلامی در لبنان و ایدئولوژی آن آشنا شود. در آن مدت احساس مظلومیت اهل بیت (ع) در وجود او ریشه دواند و احساس کرد امام علی (ع) بسیار مظلوم واقع شده است